

خالد عزیزی: نظام سیاسی مرکزگرا نباید در ایران بماند

انقلاب ایران قریب به ۴۵ سال قبل هم در بعد داخلی، هم در بعد منطقه‌ای و هم در بعد بین‌المللی، تأثیرات بسیاری داشته است و اصولاً تبدیل به یک پدیده شده و زمانی که از دموکراسی در ایران و امنیت در خاورمیانه سخن به میان می‌آید، حتماً به جمهوری اسلامی اشاره می‌شود و در عرض این ۴۵ سال گذشته مخالفین جمهوری اسلامی، من جمله ملت کورد در کردستان ایران و بالاخص حزب دموکرات کردستان ایران که در انقلاب ایران مشارکت کردند انتظارشان مثل بقیه مردم ایران این بود که در ایران دموکراسی استقرار یابد و ملل مختلف حق و حقوق خودشان را داشته باشند.

متن کامل مصاحبه در صفحه ۲

حزب دمکرات کردستان ایران:

۱۱ اسفند تصویری دیگر از همبستگی، اتحاد و مبارزه کورد را نشان خواهیم داد

رهبری حزب دمکرات:

اتحاد و همکاری اپوزیسیون پیش شرط گذار از جمهوری اسلامی است



مطمئناً به فرصتی دیگر برای تدام مبارزه حق طلبانه ملل ایرانی و گفتن "نه" دیگری به این رژیم تبدیل خواهد شد.

رهبری حزب دموکرات همچنین تداوم مبارزه مدنی و هوشیاری و بلوغ جامعه کردستان را که در دو ماه گذشته و در سه مناسبت مختلف خود را به بهترین نحو جلوه داد را ارج نهاد. ضرورت اتحاد و همکاری عملی اپوزیسیون برای گذار از جمهوری اسلامی چند موضوع دیگری بودند که در این نشست رهبری حزب دموکرات کردستان ایران به آن‌ها پرداخت. نشست رهبری حزب دموکرات کردستان ایران پس از بحث و گفتگوی مجموعه‌ای از مسائل داخلی و درون تشکیلاتی حزب و کسب نظر و رای اعضای رهبری به کارهای خود خاتمه داد.

حزب دمکرات کردستان ایران
مرکز اجرایی

خواست آن‌ها، تاکنون صدها میلیارد دلار از ثروت کشور را برای پیشبرد سیاست‌های مداخله‌جویانه و بحران‌زای خود در منطقه، مسلح کردن میلیشیایا و جنگ نیابتی و ایدئولوژی و هژمون سیاسی خود هدر داده است. حالا و در آغاز ۴۶ ساله حاکمیتش از سوی جامعه جهانی به‌عنوان بزرگترین حامی تروریسم دولتی و عامل بی‌ثباتی منطقه و جهان معرفی شده و در داخل کشور نیز کترین مشروعیت سیاسی را داراست و تنها با استفاده از اسلحه و سرکوب توانسته حاکمیت و هیمنه خود حکمرانی خود را نگه دارد. نشست رهبری حزب دموکرات نسبت به انتخابات مجلس شورای اسلامی و خبرگان که اسفند ماه سال جاری برگزار می‌شود، بر این باور است که جریان اعتراضات یک ده گذشته به‌ویژه پس از انقلاب ژینا (ژن، ژیان، نازادی)، مردم تماماً سرنوشت و مسیر خود را با رژیم جدا کرده و برگزاری سناریو انتخابات نه‌تنها نمی‌تواند نشان از عادی بودن فضای جامعه و شرعیت بخشیدن به رژیم سرکوبگر باشد، بلکه

منطقه با هدف حفظ حاکمیت خود و گذار از بحران‌های داخلی ایران است که گریبان رژیم را گرفته است. یکی دیگر از موضوعاتی که در نشست رهبری حزب دموکرات کردستان ایران مطرح شد، سالروز انقلاب ۲۲ بهمن سال ۵۷ و ۴۵ سالگی جمهوری اسلامی بود. نشست رهبری حزب دموکرات بر این باور بود که مردم ایران خواستار دموکراسی، گشایش سیاسی و عدالت اجتماعی بود و برای آن انقلاب کردند تا بلکه خط بطلانی بر استبداد سیاسی بزنند و حقوق مدنی و دموکراتیک و آزادی‌هایشان تامین شود. اما پس از ۴۵ سال آنچه تغییر کرد تنها تبدیل نظام "شاهنشاهی" به "ولی فقیه" بود و در سایه حاکمیت جمهوری اسلامی مردم بیش از پیش در بحران‌های سیاسی و اجتماعی نظیر فقر، بیکاری، سرکوب و نقض حقوق ابتدایی گرفتار آمده‌اند. بحران و آسیب‌های اجتماعی تلنبار شده‌ای که ده‌ها سال است زندگی را بر مردم سخت کرده، اما جمهوری اسلامی به‌جای اهمیت دادن به مردم و توجه به مطالبات و

و کردستان پرداخت. سپس، اعضای رهبری هر کدام نظر و دیدگاه خود را نسبت به گزارش سیاسی مرکز اجرایی حزب بیان کرده و نهایتاً مرکز اجرایی حزب را مامور انجام مجموعه اقداماتی را در این باره کرد. رهبری حزب دموکرات در این نشست همچنین با اشاره به جنگ و بحرانی که از چند ماه پیش در خاورمیانه و در پی حمله حماس به اهدافی در خاک اسرائیل و نتیجتاً واکنش جدی اسرائیل به باریکه غزه شروع شد و اکنون با دخالت گروه‌های وابسته رژیم و حمله به اسرائیل و منافع آمریکا در کشورهای منطقه گسترش یافته است؛ جمهوری اسلامی ایران را عامل اصلی تشدید بحران‌ها و بی‌ثباتی سیاسی و امنیتی منطقه دانست. رهبری حزب دموکرات تأکید کرد که تنها چیزی که برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت ندارد کشته‌شدن و قربانی گشتن مردم بی‌دفاع و ویرانی‌های بجای مانده از جنگ غزه است، بلکه آنچه برای جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت است ایجاد بحران سیاسی و امنیتی در

در تازه‌ترین نشست رهبری حزب دموکرات کردستان ایران ضمن تأکید بر لزوم همصدایی و اتحاد بیشتر احزاب و جریان‌های سیاسی کردستان و همکاری عملی اپوزیسیون سراسری با هدف گذار از جمهوری اسلامی ایران، این مسئله مطرح شد که سرنوشتی جمهوری اسلامی و بنیان‌نهادن ایرانی باثبات در آینده، در گرو مشارکت و تقسیم دموکراتیک قدرت، تامین آزادی‌ها، برابری و حقوق همه‌ی تنوعات این کشور است. این نشست رهبری که با شرکت اکثریت اعضای رهبری حزب دموکرات کردستان ایران برگزار شد، بررسی وضعیت سیاسی ایران و یافتن راه‌حلی برای جنبش حق طلبانه کورد در کردستان ایران را در دستور کار خود قرار داده بود. نشست رهبری حزب با ادای احترام به شهیدان کورد و کردستان آغاز شد و سپس کاک مصطفی هجری، مسئول مرکز اجرایی حزب دموکرات به ارائه‌ی تحلیل و ارزیابی سیاسی مرکز اجرایی حزب در خصوص تغییرات منطقه، ایران

که ما از ملل مختلف، راه‌حل عدم تمرکز و حتی از فدرالیسم سخن به میان آوریم. خوشبختانه اکنون صحبت کردن از فدرالیسم و اینکه ایران یک کشور متمرکز نباشد، تنوعات در آن وجود داشته باشد، مشارکت در آن وجود داشته باشد، در مرحله‌ی گفتمانی از آن استقبال می‌شود. بدین معنی که ما نیاز داریم در مورد این مسائل صحبت کنیم، ما نیاز داریم روی مسائل مربوط به حاکمیت، تمامیت ارضی، اصولا ملت چیست و تهدیداتی که روی ایران وجود دارد، کار بکنیم.

● **مسئله‌ای که جمهوری اسلامی روی آن کار کرده و مدام تعریف می‌کند، تعریفی که خودش می‌خواهد از ملت کورد، مبارزه کورد و دیگر ملل به تصویر می‌کشد و به جامعه ایران نشان می‌دهد این برای آینده ایران تهدید حساب می‌شود. اما مسئله دیگر اینکه این گفتمان و تعریف لازمی که بایستی باشد و تعریفی که بتواند امنیت را برای همه مردم ایران ایجاد کند، چیست که مردم درک کنند؟** این گفتمان در جریان جنبش مهسا در خیابان‌های ایران، کوردستان و خارج از کوردستان، دیده می‌شد. آنجا مردم از تجزیه صحبت نمی‌کردند، آنجا مردم از تمامیت ارضی ایران صحبت نمی‌کردند، آنجا مسئله‌ای وجود نداشت که ملیت‌های مختلف را به دلایل سیاسی از هم جدا کند، آنجا یک وحدتی دیده می‌شد که مردم بروی حداقل‌ها استعداد داشتند و علیه نظام جمهوری اسلامی به توافق برسند. این مقولاتی که بیشتر باعث می‌شود در میان احزاب سیاسی و در میان مردم بعضی مواقع اختلاف وجود داشته باشد، بیشتر ادبیات و مقولات شخصیت‌ها و احزاب خارج از کشور است.

● **یعنی خواست مردم ایران نیست؟**

من معتقد هستم در میان مردم ایران، این مسائل با این جدیت و با این حساسیت وجود ندارد که از تجزیه‌طلبی و از عدم وحدت و از این نوع مسائل صحبت شود. مشکلات این است که متأسفانه در خارج از کشور، بعضی از این سازمان‌ها یا بعضی از این شخصیت‌ها، رابطه‌شان با مردم در داخل ایران بسیار فاصله دارند، شاید هنوز به خوبی متوجه شعار مردم داخل ایران نمی‌شوند.

● **یعنی واقعیت‌های جامعه ایران را نمی‌توانند درک بکنند؟**

من فکر می‌کنم واقعیت‌های جامعه ایران برای اپوزیسیونی که چهار دهه است در خارج از کشور به سر می‌برد، شاید به آسانی قابل درک نباشد، و اگر آن را نیز درک بکنند، شاید گفتمان مناسبی برای رهبری این جنبش نداشته باشند. به همین دلیل حزب دموکرات کوردستان ایران معتقد است که بایستی همه‌ی ما بر روی داخل ایران بیشتر متمرکز باشیم و آنجا سرمایه‌گذاری کنیم. جنبش مردم ایران علیه نظام جمهوری اسلامی در داخل ایران است. این جنبش یک جنبش سوسیال‌میدایی نیست، ولی برای اینکه این جنبش بیشتر بتواند در جهت وحدت عمومی، بین تمامی ملیت‌های ایران و احزاب سیاسی پیش برود، بایستی از سوسیال‌میدیا، از میدیا و در کل از رسانه‌ها سود برد.

● **در داخل ایران به چهره‌ها و شخصیت‌های اشاره می‌شود که فعال هستند و در مدیریت اعتراضات نقش دارند. اینکه خواست مردم را برجسته بکنند گفتمانی که ما بدان اشاره کردیم چقدر می‌تواند با این شخصیت‌ها، مبارزین و بسیاری از سازمان‌های مردم نهادی که فعالیت دارند متنوع باشد و واقعیت جامعه ایران را نمایندگی کند؟** نقشه سیاسی که

مردم ایران بدان احتیاج دارند این است که در آینده ایران امنیت داشته باشند. این امنیت زمانی ایجاد می‌شود که این مقولات حاشیه و مرکز از بین برود. تا مرکز مقتدری وجود داشته باشد، این مرکز دنبال این می‌گردد که از حاشیه هم تهدیدی برای خودش ایجاد کند. تا آنجایی که به مسئله کوردستان مربوط است، مسئله کوردستان برای آینده ایران فرصت است. حزب دموکرات کوردستان ایران همیشه به این معتقد بوده که حل مسئله کوردستان ایران در چهارچوب ایران باشد و ما در داخل ایران، احتیاج به مخاطب داریم. همانطور که جنبش کوردستان در عرض چند دهه‌ی گذشته مخاطب خوبی برای آزادیخواهان ایران بوده، مردم ایران هم حالا خوشبختانه پس از جنبش مهسا به مخاطب خوبی برای کوردستان و مسئله ملیت‌های ایران تبدیل شده‌اند. من فکر می‌کنم فرصت‌های خوبی ایجاد شده، زمینه‌های بهتری وجود دارد، منتهی لازم است ما تأکیدمان بر روی داخل کوردستان و ایران باشد که این تنوعات بهتر بتوانند با هم دیگر تعامل داشته باشند.

● **آقای عزیزی، موانع دیگری وجود دارد که مانع از این نزدیکی و تفاهمی می‌شود که لازمه ادامه جنبش است، این موانع در مرحله‌ی نخست این است که ما یک تعریف واحدی از ایران داشته باشیم، منظور از ایران چیست؟** اگر به گذشته برگردم، قبل از اینکه رضاشاه قدرت را بدست بگیرد اسم ایران؛ ایران نبود، نامش پرشیا بود. ولی رضا شاه این را تغییر نام داد. عنوان ایران یک عنوان جغرافیایی است، عنوان یک ملت مشخص نیست. یک عنوانی است که مردمانی که از ملیت‌های مختلف ایران تشکیل‌شده با هم به توافق رسیده‌اند، به هر دلیل تا به حال در چهارچوب این جغرافیایی سیاسی با هم کار بکنند. اگر قرار باشد عنوان ایران یک عنوانی باشد برای همه ایرانیان، دیگر بایستی این جزء بدیهیات باشد، نبایستی آنجا اختلاف وجود داشته باشد که دنبال تعریف فارس، ترک، کورد، بلوچ، عرب و… باشیم. بایستی آنجا به حق و حقوق ملی آنان توجه شود. اگر به حق و حقوق ملی همه توجه شد، حقیقتا آن زمان به آسانی ما می‌توانیم یک زمینه و یک بستر مناسبی را ایجاد کنیم که ایران پس از جمهوری اسلامی چطور اداره شود، این می‌تواند خودش یک پیغام خوبی باشد. در راه‌حل حزب دموکرات کوردستان ایران که فعلا ما به فدرالیسم معتقد هستیم نبایستی این برداشت شود که فدرالیسم یک مقوله و راه‌حلی است برای بعضی از ملیت‌های ایران، یا بعضی مواقع از اقلیت‌های قومی صحبت می‌شود، نه! راه حل ما این است که ایران غیر متمرکز به شیوه‌ی عمومی، با مشارکت تمامی ملیت‌های ایران اداره شود. این یک راه‌حلی است که دیگر آنجا تبعیض وجود ندارد و این راه‌حل هم بدین معنی نیست که براساس تبعیض و کنار گذاشتن این ملت یا آن ملت است. در مرحله‌ی نخست ما از مردم ایران صحبت می‌کنیم. تا آنجا که به ایران مربوط است، همه ما نقاط مشترک بسیاری داریم و در مرحله بحث از حقوق؛ حالا حقوق ملی، اختیارات محلی، حقوق زبان‌های مختلف که چطور در ایران با هم بتوانند در امور تحصیل و اداره کشور سهیم باشند، این موضوعاتی هستند و تکنیک‌های مختلفی وجود دارد که می‌تواند به این تفاهم همگانی کمک بکند.

● **به این مسئله اشاره کردید در زمان جمهوری اسلامی و قبل از جمهوری اسلامی بسیار تلاش شد که چهره‌ای مخوف از مبارزه**

● **ملت کورد به سایر مردم ایران و خارج از آن ارائه شود، امروزه و بویژه پس از انقلاب ژینا، ذهنیت مردم ایران نسبت به حزب دموکرات و ملت کورد چه تغییری کرده است؟** من فکر می‌کنم ذهنیت مردم ایران بسیار تغییر کرده است. چرا تغییر کرده است؟ بایستی هم تغییر کند. جنبش کوردستان به‌دنبال چیست؟ ما به دنبال استقرار دموکراسی در کجا هستیم؟ در ایران. پس به سود تمام مردم ایران است. خواسته‌های ملت کورد در کوردستان ایران چیست؟ حجاب اجباری از بین برود که به یک مسئله‌ی بسیار جدی تبدیل شده است. بنابراین یک موضوع مشترکی است برای تمامی مردم ایران. آزادی‌های دموکراتیک، آزادی احزاب، ملیت‌های مختلف حق و حقوق ملی خودشان را داشته باشند. سرمایه وسیع ایران که یک کشور بسیار ثروتمندی است، صرف ماجراجویی‌های نظام جمهوری اسلامی در خارج از مرزها نشود. صرف توسعه، آبادی، ایجاد فرصت کار و تحصیل و… در ایران شود. این همه مسائلی هستند که در ایران، همه باهم در آنجا بر سر آن تفاهم داریم. اگر ما به این اشتراکات بگردیم این نقاط مشترک را محور و مبنا قرار دهیم، از آن‌ها شروع کنیم، من فکر می‌کنم نقاط مشترک بسیار زیادی داریم، ولی بعضی از جریانات مرکزگرا، تندروی می‌کنند. بلافاصله دنبال مقولاتی می‌روند که؛ تعریف ایران چیست؟ اصولا منظور از ملیت‌ها چیست؟ منظور از زبان مادری چیست؟ آن زمان تکلیف زبان فارسی چه می‌شود؟ اصولا منظور از عدم تمرکز چیست؟ یعنی از این مباحث کلان شروع کردن فضا را تا اندازه‌ای ملتهب می‌کند و سبب می‌شود ما از هم فاصله بگیریم. در جریان جنبش ژینا دیدیم یک نوع جریان رادیکال مرکزگرا وجود داشت، حقوق بقیه را نادیده می‌گرفت و حتی بعضی از جریان‌های حاشیه هم در برخورد با این گفتمان رادیکال و تند مرکزگراها شاید گفتمان تندی داشته باشند. سیاست حزب دموکرات در این رابطه‌ی مشخصا این است که طبیعت تنوعات ایران این را ایجاد می‌کند که ما یک سیاست میانه‌روی داشته باشیم و اصولا عدم وجود میانه‌روی، زمینه مناسب برای تفهیم این مقولات و نشست‌های بیشتر و اصولا چطور یک مبانی مناسب داشته باشیم را با مشکل روبه‌رو می‌کند. بنابراین ما معتقد هستیم که بایستی از این سیاست میانه‌روی تبعیت کنیم و سیاست میانه‌روی مردم ایران را عادت می‌دهد همدیگر را تحمل کنند و دنبال حذف یکدیگر نروند.

● **آقای عزیزی در سوسیال‌میدیا من به کرات دیده‌ام، بسیاری بر این باورند و ذهنیت به آنان القاء شده که این وظیفه ملت کورد و دیگر ملل است که ایران را آزاد کنند، همه به حق و حقوق خودشان برسند. وظیفه و مسئولیت مردم در این قبال چیست؟**

اصولا همه ما وظیفه‌مان این است که در جهت استقرار دموکراسی یک جامعه‌ی متمدن و دموکراتیک که حقوق انسان‌ها محور اصلی مبنای قانون اساسی آینده ایران باشد و در این رابطه ملیت‌های مختلف من‌جمله ملت فارس به‌عنوان بزرگترین ملت ایران در بعد خصوصیات ویژه‌ی یک ملت حق و حقوق خودش را داشته باشد. فراهم نمودن این گفتمان به این مربوط است که ما برای ایران فردا چه تعریفی خواهیم داشت. یعنی همه ایرانیان باید این احساس را داشته باشند که دنبال برتری یک زبان بر یک زبان دیگر، یک مذهب بر یک مذهب دیگر و یک ملت بر یک ملت دیگر نروند، این قابل قبول

نیست، این سیاست تحقیر است. بنابراین قبول این تنوعات، به این تنوعات این امکان را می‌دهد در چگونگی این بازسازی شریک و سهیم باشند. یعنی قبول این تنوعات قبول واقعیات جامعه‌ی ایران است.

● **آقای عزیزی پیام حزب دموکرات پس از گذشت ۴۵ سال از حاکمیت جمهوری اسلامی رو به مردم ایران و اپوزیسیون چیست؟**

به تبعیت از این واقعیت که انقلاب نتیجه‌اش این نشد که مردم ایران و من‌جمله مردم کورد در کوردستان ایران انتظار داشتند و برای این انقلاب هزینه‌های بسیار زیادی دادند. می‌تواند چندین جهت داشته باشد؛ نخست این است که نظام جمهوری اسلامی ایران در بعد سیاسی و آزادهای سیاسی، در بعد اداره بسیار مناسب اقتصاد کشور، در بعد احترام به حقوق فردی مردم، در بعد تضمین انتظاراتی که مردم از انقلاب داشته‌اند، کاملا ناموفق بوده است. حالا ماجراجویی‌های جمهوری اسلامی در خارج از کشور، ایجاد گروه‌های نیابتی با هزینه‌ی مردم ایران، این هم مزید بر علت شده است. زمانی که در خارج از کشور از ایران صحبت می‌کنند، همیشه از موشک‌پرانی، اعدام، شکنجه، ایجاد مشکلات برای مردم و خودش در داخل و بحران در خارج از کشور صحبت می‌شود. یعنی ایران فعلی تحت حاکمیت جمهوری اسلامی تبدیل به یک پدیده بسیار منفی شده است. هزینه‌اش را کدامین می‌دهند؟

مردم ایران می‌دهند. هزینه‌اش را رهبران جمهوری اسلامی نمی‌پردازند. در اوج تحریم‌های اقتصادی که علیه ایران وجود داشت، دوباره این مردم بودند که ضرر کردند. رهبران جمهوری اسلامی اصلا برایشان مهم نبود، خودشان در موقعیت خوبی قرار داشتند. پس پیغام نخست ما این است که دوباره مردم در داخل ایران بیشتر بتوانند یک گفتمان مشترک داشته باشند، بهتر بتوانند از کدهایی استفاده بکنند که این کدها در جهت وحدت ملل مختلف ایران و دیدگاه‌های سیاسی باشد. یک پیغام می‌تواند این‌ باشد که خوشبختانه در خارج از کوردستان، در تهران و دیگر شهرها تا اندازه بسیار زیادی به مسئله کوردستان آشنایی دارند و می‌دانند که تبلیغات جمهوری اسلامی بر علیه کوردها به این آسانی قابل قبول نیست، پس کوردها در داخل کوردستان ایران بیشتر وظیفه دارند دنبال دوست و مخاطب در میان ملیت‌های دیگر بگردند. یک پیغام دیگر می‌تواند این باشد؛ ترک‌ها و کوردها که در استان آذربایجان غربی (ارومیه) با هم به طور مشترک زندگی می‌کنند، می‌توانند انجمن‌های دوستی ایجاد کنند و رابطه این دو ملت با هم بسیار مطلوب باشد. در گذشته در دوران جمهوری کوردستان و آذربایجان خوشبختانه خوب بود و روابط بسیار متمدنانه‌ای داشتند و باید به جمهوری

اسلامی این امکان را ندهند از اختلافات کورد و ترک استفاده کند. یک پیغام دیگر می‌تواند این باشد که خوشبختانه مردم از درجات بسیار بالای سازماندهی برخوردار هستند و پیشرفت‌های بسیار زیادی داشته‌اند، این پیغام را به بقیه‌ی مردم ایران بدهند ما در کوردستان احزاب و سازمان داریم. به مرحمت فعالیت‌های احزاب و سازمان بر اساس زمینه‌ی ملی در این منطقه، خوشبختانه ایجاد سازمان‌های مختلف و استقبال از سازماندهی به یک فرهنگ تبدیل شده است. یکی از مشکلات جامعه ایران این است که شخصیت‌های پراکنده بسیار زیاد هستند. سلبریتی‌ها بسیار زیاد هستند و ما در تلویزیون

• شماره: ۱۸۶۵

۳۰ بهمن ۱۴۰۲_۱۹فوریه ۲۰۲۴

کوردستان

می‌بینیم که سلبریتی‌ها و شخصیت‌های منفرد بسیار زیاد است. من برایشان احترام می‌گذارم و حزب دموکرات برای آنان احترام می‌گذارد، ولی نباید جامعه‌ی ایران را به فردگرایی عادت بدهیم، بلکه باید جامعه ایران در مسیر سازماندهی و شکل‌گیری احزاب و جهت‌های مختلف پیش رود. آن زمان تعامل و توافق بین جریانات مختلف آسان‌تر می‌شود. یک پیغام دیگر این است که دوباره در خارج از کوردستان ایران، زمانی که جمهوری اسلامی از مسئله کوردستان صحبت می‌کند و کوردستان را تبدیل به یک زوم امنیتی کرده است، هر وقت بخواهد فعالان سیاسی را اعدام می‌کند، هر وقت بخواهد رهبران این ملت را هدف حملات موشکی قرار می‌دهد، آنجا دفاع کنند، آنجا بگویند ما به این آسانی اجازه نمی‌دهیم بخشی از ایران که کوردستان ایران است و نقش بسیار زیادی در ترویج دموکراسی داشته است به این آسانی هدف قرار گیرد. اینجا وظیفه سازمان‌ها و احزاب غیر کورد است هم در داخل ایران و هم در خارج از کشور روی این مسائل موضع داشته باشند. زیرا همانطور که گفتم متأسفانه بعضی مواقع جمهوری اسلامی و بخشی از اپوزیسیون جمهوری اسلامی در خارج از کشور هم در این مسائل موضع داشته باشند. زیرا مناسب به عمل نیاورده‌اند.

● **آقای عزیزی به پایان این برنامه رسیدیم اگر نکته‌ای است اشاره کنید؟**

یکی از مسائلی که حداقل در آستانه ۴۵ ساله انقلاب ایران ما با آن روبه‌رو هستیم، جمهوری اسلامی در بعد بین‌المللی است. روزانه ما که به اخبار گوش می‌دهیم، از یمن، لبنان، غزه، عراق و… صحبت می‌شود، ایران آنجاست. این تبدیل به یک معضل شده است. سیاست ایران کماکان این است افکار عمومی را در داخل و خارج از کشور منحرف کند. اصولا با ایجاد بحران‌های وسیع در خارج از کشور، مردم ایران را مشغول کند که در خارج از ایران دوباره یک دشمنی وجود دارد. اصولا راه‌حل نهایی این بحران‌های خارج از ایران نیست، راه‌حل نهایی این نیست مردم ایران منتظر باشند یک جنگ بین ایران و آمریکا رخ خواهد داد یا در نتیجه این بحران‌ها به ایران حمله می‌شود. راه‌حل نهایی در داخل ایران است و مردم ایران با وحدت و همکاری یکدیگر بتوانند این نظام را از بین ببرند. برای اینکه این نظام از بین برود بایستی ما اینجا بسیار صبر و حوصله داشته باشیم و همدیگر را در ایجاد همچون گفتمانی تحمل کنیم. در داخل ایران حالا من خوشبختانه می‌بینم اعتراضات بسیار زیاد است و یک گفتمانی شکل می‌گیرد حتی در داخل خود نظام کسانی بوده‌اند و هستند که در دوران انقلاب، بخشی از رهبری این انقلاب را بر عهده داشته‌اند در صفوف جمهوری اسلامی بوده‌اند و حالا به این نتیجه رسیده‌اند که نظام جمهوری اسلامی نظامی است که به ضرر مردم ایران است. یعنی ما بایستی به این‌ها بیشتر توجه کنیم. مسئله‌ی تسویه حساب مردم با جمهوری اسلامی بایستی بیشتر در داخل ایران و متمرکز باشد، معادلات بین‌المللی بیشتر به دنبال قواعد بازی و روابط بین دول است و در آنجا منافع کشوری در دستور کار قرار می‌گیرد تا اینکه تعهداتی در رابطه با دموکراسی و چگونگی تغییر حکومت در ایران داشته باشند.

همه دوستان جمهوری اسلامی، از ارازل و اوباش تا پرستو و پورن استار



رضا دانشجو



حضور ویتنی رایت پورن استار آمریکایی در تهران

یک موجود بی اختیار بدون داشتن حق اعتراض به حکومت تلقی می شد. تشیع دستوری ولایت فقیه فقط آن روایتی را قبول داشت که خود تعریف کرده بود. نه تنها ناباوران به دین بلکه بسیاری از باورمندان به ادیان دیگر یا حتی مسلمان سنی مذهب و شیعیان ناباور به ولایت فقیه هم تحت فشار و زندان و اعدام قرار گرفتند.

سال های میانی دهه هفتاد آغاز یک دگرگونی در جامعه ایرانی بود به مدد بعضی از حرکت های اعتراضی مخصوصا در دانشگاه ها مردم ایران توانستند با بازتعریف شرایط موجود آگاهانه به مبارزه با هنجارهای تعریف شده جمهوری اسلامی برای زندگی شخصی و اجتماعی شان بپردازند. اواخر دهه هشتاد جمهوری اسلامی را متوجه این واقعیت کرد که جامعه امروز را دیگر صرفا با قوانین دستوری نمی توان اداره کرد این بدان معنا نبود که رژیم از سیاست های گذشته خود عقب نشسته بود بلکه توانایی رویایی را در خود نمی دید.

جمهوری اسلامی اینک خود را تنها از همیشه می دید. رژیم در مسیر یافتن همراه جدید، به ساماندهی ارازل و اوباش زندانی پرداخت. شاید نخستین همکاری این گروه با جمهوری اسلامی به سرکوب اعتراضات سال ۸۸ برمی گردد. مزدورانی که برای پول هرکاری برای جمهوری اسلامی می کردند و عملا خطری هم برای رژیم نداشتند. رژیم آگاه از اینکه

جمهوری اسلامی که با وعده آبادی دنیا و رستگاری در آخرت برای مردم بر سر کار آمد و قرار بود هم وضعیت مادی مردم را سروسامان ببخشد هم آنها را به مقام انسانیت برساند! خیلی زود نشان داد که نه برای دنیای مردم برنامه ای دارد نه برای رستگاری خیالی.

خمینی و رژیم او با تئوری «اقتصاد مال خیر است» نشان داد هیچ درک و فهمی از دنیای نوین و روابط بین کشورها ندارد. شرایط اقتصادی مردم روز به روز بدتر شد تا جایی که مردم بازگشت به گذشته را آرزو می کردند.

جمهوری اسلامی ناتوان از حل مشکلات اقتصادی در هر بازه زمانی با بهانه قراردادن اتفاقات حاشیه ای سعی کرد حداقل برای مدتی محدود مردم را با خود همراه سازد. جنگ برای رژیم حاکم بر ایران موهبت بزرگی بود تا در زیر لوای دفاع از خاک ایران در مقابل رژیم صدام، دوران ریاضت اقتصادی و سیستم کوپنی را به مردم ایران تحمیل کند.

با پایان جنگ و در حالیکه مردم انتظار داشتند وضعیت اقتصادی بهبود یابد در سایه ورود سپاه به اقتصاد و کارتل های ریز و درشت بوجود آمده در شاهرگ های اقتصادی کشور پروسه غارت و چپاول اقتصاد بیمار جمهوری اسلامی را به ورطه نابودی کشاند. آشکار شدن تلاش های مخفیانه رژیم برای دستیابی به بمب هسته ای که پیامد آن تحریم های بین المللی بود فصل جدیدی از فشار اقتصادی بر مردم ایران بود و وضعیت نابسامان اقتصاد جمهوری اسلامی را بدتر کرد. اینک در آغاز چهل و پنجمین سالگرد مصادره انقلاب ۵۷ از سوی رژیم ولایت فقیه می توان گفت: آنچه خمینی دجال وعده داد سرایی بیش نبود و جمهوری اسلامی دنیای مردم را ایران به تباهی کشاند.

اما این تنها بخش داستان تباهی و سیاهی جمهوری اسلامی نبود، رژیم ولایت فقیه نشان داد بزرگترین دشمن حقوق بشر و انسانیت هم هست.

جمهوری اسلامی حمله به حریم خصوصی افراد را از همان روزهای آغازین عمر ننگین خود با قانون حجاب اجباری و ممنوعیت های ایجاد شده برای بسیاری از مشاغل آغاز کرد. فضای خفقان اجتماعی ایجاد شده در ایران سال های دهه شصت را با هیچ کشوری دیگری نمی توان مقایسه نکرد. گشت های تارالله و خواهران زینبه در خیابان ها هر چیزی از عرق تا ورق را مصداق نافرمانی از دستورات رژیم می دانستند و بشدت با آن برخورد می کردند. در حافظه بسیاری از کودکان آن دوره، شلاق زدن و اعدام کردن در ملاعام به عنوان تنها یادگاری ذهنی آن دوران حک شده است. انسان در نگاه جمهوری اسلامی

سیاهی لشکر جلوی دوربین ها ظاهر می شدند تا بگویند که آزادی پوشش و انتخاب در ایران وجود دارد و آنها نشانه این آزادی هستند. راهپیمایی های دولتی محل اصلی فعالیت این پرستوها بود. کسانی که عمدتا زندانیان خلافتکاری بودند که با تعهد

مزدور نیابتی به سوریه فرستاد. یکی دیگر از همکاری های ارازل و اوباش را می توان در جریان مسابقات فوتبال در قالب لیدری در استادیوم ها پیدا کرد. شرایط سال های اخیر در بسیاری از استادیوم فوتبال زنگ خطری برای

دهه نود شمسی آغاز تلاش دیگری از جمهوری اسلامی برای نشان دادن تصویری دموکراتیک از ایران بود. حالا رژیم از پرستوهای حکومتی رونمایی کرد. دخترکانی با آرایش غلیظ و عمدتا با حجابی کاملا نامتعارف و گاها بدون حجاب که در مناسبات دولتی و در وقت نیاز به عنوان سیاهی لشکر جلوی دوربین ها ظاهر می شدند تا بگویند که آزادی پوشش و انتخاب در ایران وجود دارد و آنها نشانه این آزادی هستند.

همکاری با جمهوری اسلامی آزاد شده بودند. حضور در روزهای انتخابات برای پرشور کردن و کشاندن جوانان از طریق تحریک جنسی بخش دیگری از فعالیت آنها بود. اما این همه ماموریت پرستوها نبود. مهم ترین ماموریت تعریف شده برای پرستوها به دام انداختن مخالفان جمهوری اسلامی بود. این فعالیت را می توان در دو بخش تقسیم بندی کرد. بخش اول مخالفان نظام جمهوری اسلامی که عمدتا در خارج از ایران بودند و جمهوری اسلامی از طریق این پرستوها حکومتی سعی در به دام انداختن آنها داشت. شاید روح الله زم سردبیر کانال تلگرامی "آمدنیوز" را بتوان بزرگترین قربانی این نقش شوم دانست او که با فریب یک پرستو حکومتی و به قصد دریافت کمک مالی به عراق کشانده و سپس ربوده شد. علی جوانمردی خبرنگار هم جزو کسانی بود که رژیم قصد داشت از طریق پرستوی حکومتی او را به دام بیندازد اما تلاشش ناکام ماند. بخش دوم این فعالیت عمدتا در داخل ایران و برای افراد داخل نظام برنامه ریزی شد

جمهوری اسلامی بود جایی که سکوهایی ورزشگاه به جایی برای بیان اعتراض علیه رژیم تبدیل شده بود و شعارهایی که جمهوری اسلامی از آن به عنوان ساختارشکن یاد می کرد مدتها صدای غالب همه ورزشگاه ها بود در چنین شرایطی ارازل و اوباش دولتی ماموریت یافتند تا با شناسایی صداهای مخالف و ایجاد رعب و وحشت در میان تماشاگران فوتبال شرایط را آرام کنند. این مساله در بازی های ملی مخصوصا در خارج از ایران نمود بیشتری پیدا کرد جایی که جمهوری اسلامی از ترس تسخیر سکوها توسط مخالفان، با ساماندهی تماشاگران حکومتی و یاری لیدرهای مزدور سعی کرد تصویری ساختگی را به جهان نشان دهد.

دهه نود شمسی آغاز تلاش دیگری از جمهوری اسلامی برای نشان دادن تصویری دموکراتیک از ایران بود. حالا رژیم از پرستوهای حکومتی رونمایی کرد. دخترکانی با آرایش غلیظ و عمدتا با حجابی کاملا نامتعارف و گاها بدون حجاب که در مناسبات دولتی و در وقت نیاز به عنوان

کسانی که جزو بدنه نظام بودند اما نظام به هر دلیلی اینک در صدد حذف و خانه نشین کردن آنهاست. محمدعلی نجفی را می توان جزو این گروه تقسیم کرد کسی که سالها سابقه خدمت در دستگاه رژیم را داشت اما در دام پرستو ارسالی رژیم افتاد هر چند به خاطر سابقه گذشته اش رژیم به خانه نشین شدن او پرستوها آخرین رفقای جمهوری اسلامی نبودند. در واقع جدیدترین رفقای جمهوری اسلامی پورن استارها هستند! رژیم در ادامه مسیر یافتن رفقای جدید و بعد از ارازل و اوباش و پرستوها در حال رونمایی از پورن استارهاست. حمایت "میا خلیفه" پورن استار معروف آمریکایی عرب از فلسطین و بازتاب عجیب حمایت او در رسانه های گروهک تروریستی سپاه پاسداران نشان داد برای رژیم ولایت فقیه تنها شرط لازم برای رفاقت حمایت است و ایدئولوژی مذهبی فقط یک ابزار بوده است. اما در آخرین سکانس این بازی مضحک "ویتنی رایت" پورن استار دیگر آمریکایی درست در سالگرد مصادره انقلاب ۵۷ از سوی رژیم به تهران سفر کرد و به بازدید از اماکن تاریخی با حجاب اسلامی پرداخت و در نهایت از آزادی در ایران سخن گفت.

آری! این تمام حقیقت جمهوری اسلامی است. رژیمی که قرار بود دنیا و دین مردم را آباد کند در سایه سالها حکومت خودکامه و فساد سیستماتیک نه از دنیا و از دین مردم چیزی باقی نگذاشته است، اینک رژیم جمهوری اسلامی در چهل و پنجمین سالگرد استقرارش در چنان منجلابی فرورفته است که بیرون آمدن از آن غیرممکن است رژیمی که مردم خود را دشمن می داند و مهم ترین دوستانش، ارازل و اوباش، پرستو و پورن استارها هستند.

البرز روئین تن:

به علت عدم اجماع و نبود برنامه دموکراتیک و مشخص در بین اپوزیسیون آترناتو در وضع کنونی غایب می‌باشد



مصاحبه: شهرام سبحانی

اشاره: مسئله‌ی آترناتو و بدیل سازی، لازمه‌ی گذار از جمهوری اسلامی و تشکیل دولت نوین در وضع بحرانی ایران می‌باشد که در تمام رسانه‌ها بعنوان یک بحث مهم از آن یاد میشود، و امروزه برای تمام مردم آزادخواه ایران و بخصوص کوردستان جایی سوال بوده و هست که آترناتو چیست؟ و چگونه شکل خواهد گرفت؟ برای سقوط جمهوری اسلامی شکل گیری آترناتو ضروری است؟ آیا این آترناتو باید در بطن جامعه شکل بگیرد یا در بین اپوزیسیون؟ آیا جامعه ایران با وجود تنوعات ملی و طیفهای وسیع فکری و سیاسی می‌تواند در سازماندهی خود برای نابودی جمهوری اسلامی بدون نیاز به اپوزیسیون عمل کنند؟ در صورت فروپاشی جمهوری اسلامی آیا آترناتوی برای تثبیت شرایط فعلی وجود دارد؟ برای پاسخگویی به این سوالات گفتگوی با آقای البرز روئین تن، عضو رهبری حزب دموکرات کوردستان ایران خواهیم داشت.

آقای روئین تن ابتدا از این سوال مصاحبه را شروع میکنم آترناتو چیست؟ و چگونه شکل می‌گیرد؟

جمهوری اسلامی بعنوان یک حکومت دیکتاتور، توتالیتر و اتوریتر عصر ما درحالی که حکومت غیر مشروع و تروریستی خودش ادامه میدهد که مبارزه ملت‌های ساکن ایران و اپوزیسیون این حکومت به شکل‌های مختلف ادامه دارد، اکثر مخالفین جمهوری اسلامی خواهان سرنگونی حکومت جمهوری اسلامی و تغییر شکل حکومت و حاکمان هستند، آنچه از آن بعنوان آترناتو ذکر می‌شود جایگزین این حکومت و حاکمان ایران بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی است. مخالفین جمهوری اسلامی که از طیف‌ها و ایدئولوژیک‌ها و ملت‌های مختلف هستند هر یک تفسیر خاص خود را در مورد آترناتو دارند و میخواهند که بعد از جمهوری اسلامی قدرت و شکل حکومت بنا برافکار و میل آنها شکل بگیرد. و این ابتدای وجود مشکلات در شکل گیری آترناتیوی است، چون اجماع فکری در مورد چگونه شکل گیری آترناتو در بین مخالفین جمهوری اسلامی وجود ندارد. آترناتو حکومت‌های دیکتاتوری به شکل‌های مختلف درست میشوند، رهبر کاریزما یا برنامه‌ی مشترک

که بتواند طیف‌های مختلف را در کنار هم برای سرنگونی حکومت جمع بکنند باعث ایجاد آترناتو می‌شود، نوع آترناتو و چگونگی شکل گیری آن به فاکتورهای مختلف و ویژگی‌های هر انقلاب جامعه بستگی دارد. ولی آنچه اکنون در مورد مخالفین جمهوری اسلامی میتوانست صدق کند وجود برنامه‌ی مشخص دموکراتیک با وجود همه واقعه‌های ایران که بتواند از گذشته دیکتاتوری و مرکزگرایی و ایدئولوژی ایران تک ملتی درس گرفته باشد میتواند به عنوان آترناتو ظاهر شود، ولی. به علت نبود اجماع و چنین برنامه دموکراتیک و مشخص در بین اپوزیسیون آترناتو در وضع کنونی غایب میباشد.

برای سقوط جمهوری اسلامی شکل گیری آترناتو ضروری است؟ آیا این آترناتو باید در بطن جامعه ایران شکل بگیرد یا در بین اپوزیسیون؟ برای سرنگونی جمهوری اسلامی به فاکتورهای مختلفی نیاز است، آترناتو یکی از این فاکتورها و حتی فاکتور مهمی می‌باشد، چون در قیام و تظاهرات مختلف مردم در گذشته بارها روبروی این سوال شده‌اند اگر جمهوری اسلامی سقوط کرد کی؟ و چگونه حکومت خواهد کرد؟ نبود جواب مشخص برای این سوال به حق و ضروری، باعث کاهش اعتراضات مردم و سرکوب آسانتر حکومت شده است. بدون تردید با وجود اوضاع کنونی وجود آترناتو ضروری است، ولی نباید این واقعیت را هم فراموش کنیم که ایران تحت حکومت جمهوری اسلامی و میراث دیکتاتوری‌های مختلف در صد سال گذشته از ابر بحران‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، محیط زیستی و اجتماعی رنج میبرد که جمهوری اسلامی از حل آنها عاجز مانده و تنها راهی که در پیش می‌گیرد سرکوب بیشتر و بیشتر است، در نتیجه چنین وضعی احتمال سقوط جمهوری اسلامی حتی بدون آترناتو هم وجود دارد و این احتمال را نباید نادیده گرفت، مخصوصاً برای ملت کورد و جنبش ملی کوردها در کوردستان. قابل ذکر است آنچه ما به‌عنوان آترناتو از آن صحبت می‌کنیم در کوردستان با وجود جنبش ملی و احزاب مبارز که سابقه طولانی دارند و جامعه پویا و آماده در کوردستان برخلاف سراسر ایران وجود دارد. با وجود حکومت دیکتاتوری شکل گیری آترناتو به تنهایی در بطن جامعه ممکن به نظر نمی‌رسد، به این علت

نیروهای خارج از کشور باید در این مورد نقش خودشان را به خوبی اجرا بکنند، این به این معنا نیست که جنبش در داخل مخصوصاً بعد جنبش "ژن، ژیان، نازادی" نمی‌تواند موفق باشد یا به حاشیه رانده شود، بلکه رمز موفقیت در شکل گیری آترناتو این واقعیت است که باید اپوزیسیون با توجه به خواست و واقعیتها در داخل هماهنگ و هم قدم با بطن جامعه برای ایجاد آترناتو کار بکنند و آنچه که ما در کوردستان می‌بینیم درست همین واقعیت است که احزاب کورد و جامعه کوردستان با هم در ارتباط و پیوند بیشتری هستند.

آیا جامعه ایران با وجود تنوعات ملی و طیفهای وسیع فکری و سیاسی می‌تواند در سازماندهی خود برای نابودی جمهوری اسلامی بدون نیاز به اپوزیسیون عمل کنند؟ اولاً چیزی به‌عنوان جامعه واحد و یک دست ایران نداریم، مثلاً آنچه در کوردستان می‌گذرد با تهران یا نقاط دیگر از بسیاری جهت‌ها مختلف است و این خودش یک مانع است، حتی خواسته‌های مختلفی هم وجود دارند ما این واقعیت را در جنبش "ژن، ژیان، نازادی" به‌وضوح دیدیم، علاوه بر این نبود محور واحدی که مبارزه حول آن اتحاد پیدا کند این امری که شما به آن اشاره کردید غیرممکن به نظر می‌رسد. از طرفی دیگر وجود رهبری و هماهنگ کننده و اداره انقلاب هم یکی از نیازهای سازماندهی است که بدون اپوزیسیون بسیار ممکن نیست و حتی با وجود اپوزیسیون پراکنده و کنونی هم ممکن نیست. ولی با وجود همه این واقعیتها سقوط ناگهانی جمهوری اسلامی همیشه به عنوان یک احتمال به‌علتی که در سوال پیش اشاره کردم همیشه وجود دارد.

در صورت فروپاشی جمهوری اسلامی آیا آترناتیوی برای تثبیت شرایط فعلی وجود دارد؟

در کوردستان وجود دارد ولی در تهران وجود ندارد، حتی با وجود نیروهای ایدئولوژیک که تنها در خیال باز بدست آوردن قدرت یا انتقام گیری هستند بعد از سقوط جمهوری اسلامی به جای تثبیت شرایط و بنیاد حکمرانی نوین به تثبیت قدرت خود و بنیاد دیکتاتوری به شکل دیگری خواهند پرداخت ما این را از اینجا می‌دانیم که بعضی از اپوزیسیون هم اکنون هم به بعضی از درخواستهای

دموکراتیک چنان واکنش غیر دموکراتیک دارند که در ذهنیت و تفکر فرق آنچنانی با جمهوری اسلامی ندارند. ببینید این بزرگترین شانس جمهوری اسلامی است که برخی از اپوزیسیون به خود جمهوری اسلامی با شکل دیگری شبیه است. و ملت‌های ساکن و مردم این را به خوبی می‌بینند. ولی باید این را هم بگویم هر وضعی پیش بیاید از وضع امروزی بهتر خواهد بود چون با وجود جمهوری اسلامی هیچ گونه امیدی نیست در نبود جمهوری اسلامی هر احتمالی حتی اگر ضعیف باشد وجود دارد.

این گذار از شرایط فعلی ایران و تشکیل دولت نوین نقش اپوزیسیون چه خواهد بود؟ آیا اپوزیسیون ایرانی در جهت شکل گیری یک نهاد گسترده با مقبولیت فراوان برای گذار از جمهوری اسلامی اقدامی کرده‌اند؟ نقش اپوزیسیون بسیار حیاتی است، اپوزیسیون باید از خیلی وقت پیش حول برنامه دموکراتیک که درخواست ملت‌های ساکن و خواسته‌های دموکراتیک همه طیف‌ها اجماعی فکری درست بکند و این باعث وجود رهبری راهنما و هماهنگ کننده مبارزه علیه جمهوری اسلامی بشود، ولی این اپوزیسیون از ایجاد این نقش شکست خورده و به نظر نمی‌رسد بتواند در این مسئله هم موفق باشد. بعضی از اپوزیسیون به جای کار برای مبارزه علیه جمهوری اسلامی و بنیاد حکومت نوین در تلاش هستند دیکتاتوری دیگری به شکل دیگری درست کنند تصاحب قدرت برای آنها مهمتر از سرنگونی جمهوری اسلامی است. لازم به ذکر است حزب دموکرات کوردستان ایران از همان ابتدای سر کار آمدن جمهوری اسلامی همه تلاش ممکن برای اتحاد و آترناتو سازی علیه جمهوری اسلامی کرده است. بعد از جنبش "ژن، ژیان، نازادی"، هم با باز نگاه داشتن درهای گفت و گو و پیشنهاد طرح‌های دموکراتیک و تلاش ایجاد اجماع فکری برای ایجاد آترناتو انجام داده ولی متأسفانه با وجود بعضی از اپوزیسیون این غیرممکن به نظر می‌رسد چون آنچه حزب دموکرات تحت عنوان دمکراسی و عدم تمرکز و آزادی و حقوق ملت‌ها برای ایران آینده می‌خواهد و به آن باور دارد برای بعضی از اپوزیسیون به همان اندازه جمهوری اسلامی ناخوشایند است.

کدامیک از طیف‌های سیاسی خارج ایران

مخالف دموکراتیزه کردن ایران هستند؟ به نظر شما لازمه‌ی گذار از این طیف‌های سیاسی مخالف چیست؟

برای تعیین و تشخیص دموکراتیک بودن طرف‌های مختلف اپوزیسیون راه بسیار آسانی وجود دارد، ببیند هر طیفی یا شخصی مخالف خواست و حقوق دموکراتیک ملت‌های ساکن ایران و ملت کورد از جمله حق دموکراتیک تعیین سرنوشت خود باشد مخالف دموکراتیزه کردن ایران هم است، چون رد هر حق دموکراتیک به نوعی به دیکتاتوری به شکل دیگری راه پیدا خواهد کرد، آن‌هایی که با حقوق ملت‌ها مخالف هستند بعدها برای خود ملت فارس هم دیکتاتور و مشکل ساز خواهند شد. گذشته این گفته من را اثبات کرده و در آینده هم این چنین خواهد بود. ببیند به عنوان مثال آن‌هایی که امروز مخالف تدریس زبان مادری به عنوان یکی از ابتدای ترین و دموکراتیک ترین حق‌ها هستند نمی‌توانند دموکراتیک باشند و پتانسیل بزرگی برای دیکتاتوری دیگری هستند. اگر ما این سوال را که آیا شما با حقوق ملت‌ها یا حقوق ملت کورد موافق هستید؟ یا نه؟ از طرف‌ها و شخصیت‌های مختلف اپوزیسیون بپرسیم جواب تعدادی بسیار اندکی که به تعداد انگشت‌های دست هم نمی‌رسد مثبت خواهد بود و از این تعداد هم در اولین فرصتی که در تهران قدرت را به دست گرفتن پشیمان خواهند شد و این واقعیت تلخ مقوله آترناتو جمهوری اسلامی است. و این نشان میدهد لازمه ایجاد شکل گیری آترناتو دموکراتیک و فعال آنچنان وجود ندارد. بدون تردید آنچه لازم بود برای گذار از این وضع از طرف ملت کورد و احزاب کورد و حزب دموکرات به شکل احسن آن صورت گرفته، اگر پاسخ مناسب مثبتی از طرف اپوزیسیون سراسری نگرفته به این معنی نیست که جامعه کوردستان تا ابد صبر خواهد کرد، آنچه ما امروز در خیابان‌های کوردستان به وضوح می‌بینیم باور مردم به پیروزی علیه جمهوری اسلامی و جنبش آزادیخواهی است که برای قهق‌های خود واقف و آماده است با قربانی و فداکاری برای احقاق حقوق خود مبارزه کند و خواهد کرد، تا آینده روشن و مختلف از گذشته برای خود بسازد.

رای "نه" در فرمی دیگر



دیاکو دانا



انتخابات نشان از تعویض قدرت است که از هر نوع حاکمیت تمامیت‌خواه و خودکامه جلوگیری می‌کند. پروسه انتخابات که به شیوه تمام معنا دارای رنگ و سیمای دموکراتیک است، در رژیم‌های دیکتاتور و تمامیت‌خواه به‌منظور نشان دادن سیمای ظاهری از دموکراسی و آزادی از پروسه انتخابات استفاده می‌کنند. ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی یکی از آن کشورهای است که در آن حاکمیتی دیکتاتور وجود دارد انتخابات برگزار می‌شود. ساموئل هانتینگتون یکی از نظریه‌پردازان سیاسی آمریکا در کتاب "موج سوم انتخابات" نظام انتخاباتی در ایران را به جریانی "گیج‌کننده" تعریف می‌کند. سیستم انتخابات در نظام جمهوری اسلامی روندی نیست که جمهوری اسلامی از همان بدات زمامداریش آن را در نظام حکومتشان قرار داده باشند، بلکه پروسه‌ای است که از عصر انقلاب مشروطه که خواهان آن بودند حاکمیت قانون و آزادی به سبب غربی وجود داشته باشد پا به عرصه گذاشت. در آن زمان مجلس شورای ملی در آن نمایندگان مجلس با رای مستقیم

پروسه انتخابات یکی از مولفه‌های دموکراسی قلمداد می‌شود که در آن میان حاکمیت و جامعه توافق می‌شود و حکومت بر اساس رضایت مردم زمام امور را به دست می‌گیرد. جان لاک فیلسوف و نظریه‌پرداز لیبرال بریتانیایی در خصوص رابطه میان جامعه و حاکمیت می‌گوید: "حکومت مشروعیت خود را از جامعه کسب کرده و باید بدان پایبند باشد و اگر هر وقت مردم در باب آنکه حکومت مقتضیاتشان را بار آورد نمی‌کند حق دارند آن حکومت را برکنار کنند." به دیگر معنا می‌توان گفت انتخابات به یکی از عناصر جامعه مدرن سیاسی محسوب می‌گردد. در کشورهای دموکراتیک و توسعه‌یافته در جهان امروزی پروسه‌ی انتخابات به کلی نمایان است و افرادی که از طریق انتخابات چه به‌عنوان رئیس جمهوری و چه به‌عنوان نماینده مجلس و... برای مدت زمان تعیین شده به صحنه سیاست حضور پیدا می‌کنند و پس از اتمام دوران حضور در حکومت برای دیگران فرصت ایجاد می‌شود که از طریق انتخابات در سیاست مشارکت داشته باشند. به تعبیری دیگر پروسه

... مردم هر با به دلیل در انتخابات جهت رای دادن حضور می‌یافتند. برای نمونه زمانی که در سال ۱۳۶۸، هاشمی رفسنجانی به‌عنوان کاندیدای ریاست جمهوری مشارکت کرد، با شعار توسعه‌ی اقتصادی و سازندگی و به منظور باسازی کشور پس از ۸ سال ایران عراق مردم را به سوی صندوقهای انتخابات سوق داد. یا در انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۷۶ آن زمان به دلیل تبعات زینبار ۸ ساله‌ی ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی تمامی ابعاد را در بر گرفت و برای نمونه اقتصاد کشور تورم ۴۹٪ را به خود گرفته بود، به به لحاظ سیاسی کشور جوی محدود حکم فرما بود و به لحاظ بین‌المللی نیز به‌دلیل اقدامات تروریستی رژیم در خارج از کشور اعمال تحریم‌های اتحادیه اروپا پس از حکم دادگاه میکنوس بر جمهوری اسلامی، محمد خاتمی برای ایجاد اصلاحات و فضای باز سیاسی تحت نام "مردم سالاری دینی" توانست مردم را به سوی صندوق‌های رای سوق دهد. یا پس از دوران ۸ ساله ریاست جمهوری محمود احمدنژاد کشور به‌دلیل تحریم‌های کمرشکن اقتصادی و دولت محمود احمدنژاد به‌دلیل برنامه‌ی اتمی اعمال شده بود جمهوری اسلامی برای نشان دادن "ترمش قهرمانانه" نیازمند کسی بود که بتواند کشور را نجات دهد. حسن روحانی از جمله کسانی بود که با شرکت در دور یازدهم انتخابات ریاست جمهوری به‌منظور حل مسئله‌ی اتمی و همچنین فضای بسته‌ی سیاسی که در دوران احمدنژاد بر کشور حکمفرما بود، مردم به‌منظور اینکه برای دیگر جریان اصلاح‌طلب بتواند وضعیت کشور را بهبود بخشد، در حوزه‌های انتخابات جهت رای

مردم بدان جان راه می‌یافتند. سپس و بعد از روی کارآمدن دولت مرکزگرای پهلوی انتخابات سیمایی ظاهری به خود گرفت و تاکنون هم این جریان ادامه دارد. طی مدت ۴۵ سال حکومتداری جمهوری اسلامی، غیر از انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی، دور یکم ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی احزاب و سازمان سیاسی مختلف توانستند در آن مشارکت داشته باشند. اما سپس و در دهه ۶۰ خورشیدی و تاکنون تنها کسانی می‌توانند در سناریوی انتخابات خود را کاندیدا کنند به ایدئولوژی این رژیم معتقد باشند که ابتدا از اعضای این حزب بودند و بعد از انحلال این حزب افرادی که از دو جناح اصلاح‌طلب و اصولگرا هستند می‌توان خود را برای سناریوی انتخابات کاندیدا کنند که این روند تاکنون هم ادامه دارد. آنچه جای توجه است این است ضمن اینکه رژیم جمهوری اسلامی با اعمال حاکمیتی به‌تمام معنا و خودکامه بر جامعه ایران چرا مردم به صندوق‌های رای دادن می‌رفتند؟ در هر دوره‌ای چه در انتخابات ریاست جمهوری و چه در انتخابات مجلس شورای اسلامی

مشارکت در انتخابات: آری یا نه ؟

گوران عثمان

در این نوشتار سعی بر آن است که با توضیح مفهومی انتخابات و مفاهیم مرتبط و وابسته به آن و سوابق و پیامدهای ناشی از انتخابات‌های گذشته و سیر نزولی یا صعودی همخوانی و هم‌پوشانی وعده و وعیدهای قبل و بعد از انتخابات‌ها و در نهایت به دور از تعصبات جناحی، فکری، سیاسی، اجتماعی و غیره، خواننده این سطور، خود به این استنباط برسد که انتخاب که درست آن است که در انتخابات نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران شرکت کند یا نه. در مفهوم سیاسی و جامعه‌شناسی، انتخابات، به مجموعه عملیاتی گفته می‌شود که در جهت گزینش فرمانروایان و تعیین ناظران برای مهار کردن قدرت، تدبیر شده است. از این دیدگاه، انتخابات، به معنای فنون گزینش و شیوه‌های مختلف تعیین نمایندگان است و ابزاری است که به وسیله آن میتوان اراده شهروندان را در شکل‌گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان اعمال اقتدار سیاسی مداخله داد.

انتخابات و فضای حاکم بر آن در هر جامعه ای متشکل از اجزاء زیر است:

- ۱- برگزار کنندگان: (که در ایران) دولت و نظام حاکم می‌باشد
- ۲- انتخاب شونده‌گان: که نامزدهای انتخاباتی گزینشی و بعضا گرم کننده جو انتخاباتی هستند
- ۳- انتخاب کنندگان: که معمولا فاقد وابستگی حزبی یا دیدگاه‌های مستقل سیاسی هستند
- ۴- قوانین انتخاباتی: که بیشتر در جهت معرفی کاندیداهای گزینشی و سیاست‌های تشویقی و

رأی آنها، به عنوان نماینده مجلس یا هر سمت دیگری انتخاب می‌شوند، در واقع عقد قراردادی صورت گرفته است میان مردم (به عنوان کارفرما) و انتخاب شدگان یا نمایندگان (به عنوان کارگزار)، که در ضمن این قرارداد، تفویض اختیار و قدرت اجرایی نسبتا وسیعی از طرف کارفرما (مردم) به این کارگزاران صورت می‌گیرد و در مقابل، تعهد مسئولیت‌پذیری، و حسن انجام وظایف در جهت تامین اهداف و منافع عمومی مردم در همه ابعاد آن و همچنین التزام و قبول پاسخگویی به سوالات و ابهامات ناشی از نحوه عملکرد و برنامه‌ریزی‌های کارگزاران برای این نمایندگان منتخب مردم ایجاد می‌شود.

نکته مهم دیگری که شاید در اغلب اوقات مغفول مانده و فراموش شده، این است که خودداری از مشارکت در انتخابات و عدم رأی دهی، به خودی خود، نوعی رأی دهی و شکلی از یک رفتار و کنش سیاسی است. بر این اساس جالب توجه است که مرور انتخابات‌های پیش از سال ۱۴۰۰ در ایران نشان می‌دهد که ارزیابی طبقه حاکم بر مبنای حکومت قدرتمند کاملا فایق و غالب در برابر توده‌های بدون قدرت، مانع از وارد کردن فاکتور عدم مشارکت در انتخابات (تحریم انتخابات)، به معادلات سیاسی شده بود. بررسی برنامه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی نظام سیاسی ایران از سال ۱۳۸۵ به این سو نیز تأیید می‌کند که هیچگاه سهم قدرت کسانی که مشارکت

بر نهاد سیاست و جایجایی مسالمت آمیز کارگزاران آن (طبقه حاکم)، تغییر دادن شیوه‌های مدیریت سیاسی و سیاست‌های اجرایی در ابعاد خرد و کلان و تلاش برای تحصیل مناصب و سمت‌های سیاسی و یا امتناع و خودداری از مشارکت در این امور به صورت فردی یا جمعی .

با توجه به اینکه برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه و امکان وجود رقابت سیاسی (به عنوان یکی از مصادیق مهم مشارکت سیاسی)، یکی از وجوه دموکراسی و مشروعیت نظام‌های سیاسی محسوب می‌گردد که در جوامع در حال گذار به دموکراسی (مانند ایران) از اهمیتی دوچندان برخوردار است، اشاره به این نکته حائز اهمیت است که کاهش مشارکت سیاسی، از جمله کاهش مشارکت در همه انواع انتخابات، برای طبقه حاکم پیامدهای خطیر و گاه جبران‌ناپذیری دارد ، از قبیل:

- ۱- فراهم آوردن شرایط برای انواع شورش، اعتراض و خیزش‌ها
- ۲- نافرمانی مدنی
- ۳- ایجاد شکاف و تضاد میان گروه حاکم و مردم
- ۴- کاهش شدید مشروعیت سیاسی حاکمیت
- ۵- زمینه سازی برای کودتا درون نیروهای مسلح
- ۶- انقلاب سیاسی
- ۷- کاهش قدرت حاکمیت در دیپلماسی بین‌المللی
- ۸- تاثیرات مختل کننده در ابعاد خرد و کلان بر خرده سیستم‌هایی مانند اقتصاد ، فرهنگ سیاسی، و نظام روانی جامعه.

زمانی که کسی یا کسانی از طریق مشارکت مردم در انتخابات و کسب

سیاسی نداشته‌اند، مهم دانسته نشده است. گویی این گروه از جامعه تنها سوژه‌های منفعل و تابع اکثریت آماری مشارکت کنندگان هستند. این رویکرد، مشمول تحلیل آن نوع حکمرانی می‌شود که اندیشمند فرانسوی، میشل فوکو، در تبارشناسی قدرت، «ارشاد روحی» می‌نامد. رابطه میان حاکمیت و مردم در این نوع حکمرانی «تقریبا به شکل مطلق، رابطه ای دینی» است، که در آن حاکم، قدرتمند و رحیم است و هدف ذاتی وی رستگاری مردم تحت حاکمیت است. بنابراین با قبول تعریف از پیش گفته، از مشارکت سیاسی، که گفته شد کنشی اختیاری، آگاهانه و وجود اراده آزاد بر عاملیت در انتخابات است، میتوان گفت که عدم مشارکت در انتخابات، نوعی انتخاب و واکنش در برابر وضعیت موجود محسوب میگردد، و در واقع عدم مشارکت در انتخابات (تحریم انتخابات)، یکی از مظاهر قدرت بی‌قدرتان و مصداقی از دیدگاه میشل فوکو در «باید از جامعه دفاع کرد نیز هست.

حال خوانندگان هوشمند و اهل خرد، با مروری دوباره بر مطالب مذکور در این نوشتار و مقایسه و مطابقت سازی مفاهیم نظری و مورد اتفاق اکثریت اندیشمندان و متخصصان در خصوص انتخابات، اصول دموکراسی، مشارکت سیاسی، مشروعیت نظام حاکم ، میزان مسئولیت‌پذیری و انجام تعهدات و پاسخگویی کارگزاران (دولت و حاکمیت)، با عملکرد نظام حاکمیتی جمهوری اسلامی در ایران، در رابطه با پیاده کردن آن اصول و مفاهیم، میتوانند تشخیص دهند و تصمیم بگیرند که در انتخابات پیش رو، یا هر انتخابات دیگری، مشارکت نمایند یا نه .

کودکان و سیاست رژیم جمهوری اسلامی ایران



جمال رسول دنخه

آموزش و پرورش در سیستم رژیم ایران بر اساس سه محور مثلث شکل خدا، زمین، رهبر بنیان نهاده شده است. این محور سه گوشه همان محوری است که رژیم شاهنشاهی آن را بنیان نهاده بود. در دوران پس از حاکمیت پهلوی که تخت و بخت آن فرو ریخت رژیم جمهوری اسلامی ایران بر اریکه قدرت نشست. رژیم روی کار آمده دقیقاً همان چیزی را ادامه داد و فقط به جای شعار کردار نیک، پندار نیک و گفتار نیک آن را به تعلیم و تعلم عبادتست تغییر داد. این تغییر به معنای آن بود که آموزش در دوران شاه آموزشی ضد دین بوده است و با هنجارها و موازین اخلاقی و بشری در تضاد است.

البته ناگفته نماند که رژیم جمهوری اسلامی ایران تنها نام و نشان آن را تغییر داده است و در بطن خود همان چیزی را ادامه می‌دهد که بنیانگذاران سلسله ستم شاهی بر ایران حاکم کرده بودند. شاه تا آنجا مستبد بود که بنابه خود نزدیکان به قول روشنفکر از قبیل شاهپور بختیار و دیگر افرادی از این دست در نامه‌ای به شاه ابلاغ کردند که سیاست‌های خودمحورانه وی موجب شده که چشم انداز جامعه ایران به ورطه سرنگونی برود. آنان در این نامه به وضوح به فرمان‌های انحصاری و تصمیمات خودپسندانه وی اشاره کرده بودند که چیزی در دست ارگانها نیست و شخص وی فرد یکه‌تاز میدان سیاست و اجرایی است! شاه تا حدی خود پسند بود که در آموزش و پرورش و در ابعاد دیگر جامعه رخنه کرده بود و هر چیزی را به گونه‌ای آموزش می‌داد که مردم آن را از الطاف شاه بدانند. در مثلث قدرت که بنگریم خواهیم دید که رهبر یکی از ضلع‌های مهم قدرت است که قدرت وی هم از خدا و سپس زمین ناشی می‌شود. دقیقاً همان چیزی که خمینی و اکنون خامنه‌ای آن را ادامه می‌دهند و بر این عقیده هستند که نماینده خدا بر زمین هستند.

تغییر تاریخ به شاهنشاهی نقطه اوج خودبرتر بینی شاه بود آن هم ناشی از کاستی‌های روانی وی حکایت داشت. چرا که اگر قرار بود شاه آدمی بسیار با عدالت و در فکر جامعه بود چنین جشن‌هایی را برپا نمی‌کرد. جشن‌های وی بر این پایه استوار بود تا تاریخ سازی کند آن هم به شیوه‌ای جعلی.

اسناد به دست آمده از سران رژیم گذشته حاکی از تأثیر بلافاصله نخبگان ایرانی متمایل به انگلستان در شناسایی رضا شاه و جهت گیری فرهنگی اوست. به طور کلی، اهداف شاه را از برگزاری این جشن‌ها در سه محور کلی «کسب اعتبار و وجهه بین‌المللی»، «گرایش به باستان‌گرایی» و «مخالفت با دین اسلام» مورد بررسی قرار گرفته است. هزینه‌های بالای برگزاری این جشن‌های مجلل یکی از مهمترین انتقادها به آن بوده است. مخالفان این جشن‌ها معتقدند با وجود فقر و مشکلات معیشتی و اقتصادی

در ایران، لزومی به صرف این همه پول برای یک جشن نبوده است. حتی برخی از تحلیلگران معتقدند که همین جشن‌ها به جریان‌های مخالف با رژیم پهلوی دامن زد و یکی از عوامل مهم انقلاب ایران و سقوط شاه شد.

به دو نکته اشاره خواهیم کرد سپس نتیجه گیری:

نکته اول: خمینی بنیانگذار رژیم جمهوری اسلامی ایران در مورد جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاه بر این نظر است که جشن‌های دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی عظیم‌ترین برنامه تبلیغی و فرهنگی - سیاسی سلطنت پهلوی بود. این جشن‌ها که به مثابه نمادی از فرهنگ دین‌گريزانه شاهنشاهی با رویکرد غربی تلقی می‌شد، جایگاه ویژه‌ای در تاریخ مبارزات ملت و شکل‌گیری ایدئولوژی سلبی انقلاب اسلامی ایران داشت. که این جشن‌ها اگرچه تنها عامل سقوط رژیم پهلوی نبود اما زمینه‌ای برای سقوط رژیم شد که در نهایت در بهمن ۱۳۵۷ این مبارزات به به بار نشست.

نکته دوم: انگیزه‌های حضور مردم در مراسمات ۲۲ بهمن از دیدگاه مسئولان رژیم جمهوری اسلامی ایران.

در نکته نخست خمینی و سران پس از خمینی به این نکته اشاره داشته‌اند که شاه تبلیغ سیاسی و فرهنگی انجام داده است که در بعد فرهنگی فرح همسر شاه مدیر اصلی بوده است. خمینی و همکارانش به بعد ایدئولوژی کارهای شاه اشاره کرده‌اند که آری شاه با انجام چنین کارهایی ایدئولوژی خود را در جامعه گسترش می‌دهد. فرح پهلوی در کارهای خود به کودکان و مدارس را مورد توجه خود قرار می‌داد.

شاه برای گسترش ایجاد فکر و ایده‌های خود کودکان و نوجوانان را مورد هدف خود قرار داده بود. برنامه‌های متنوع آن زمان که در رسانه‌های گوناگون پخش می‌شد و در راس آن کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در راستای اهداف فکری شاه بودند.

البته کارهای شاه در حوزه نوجوانان و کودکان فقط به مرکز مربوط می‌شد و سایر ملت‌های ایران با سرکوب و خفقان روبرو بودند. طبق آمارهای بانک جهانی از میزان مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال در سال ۱۳۴۹ نشان‌دهنده عملکرد نامطلوب رژیم شاهنشاهی در حوزه مراقبت از

سلامت کودکان بوده است به طوری که در این سال از بین هر ۱۰۰۰ تولد زنده، ۱۸۹ نفر پیش از رسیدن به پنج سالگی فوت می‌کردند. در همان زمان آمار مرگ و میر کودکان در کشورهایی نظیر ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، ایتالیا و حتی کوبا نیز با اختلاف بسیار زیادی از ایران کمتر بوده است. در سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۵، میزان مرگ و میر کودکان زیر یک سال در هر هزار نفر جمعیت، ۱۴۶ نفر بوده است؛ این آمار در سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ به ۲۵ نفر رسیده بود.

همه کارهایی که رژیم شاهنشاهی انجام می‌داد برای این بود بتواند ناسیونالیسم تصنعی خودساخته را همراه با آموزه‌های دینی که خود را نیز نایب خدا بر زمین می‌دید در جامعه پیاده کند و این در حالی بود که کودکان و نوجوانان در آن زمان از حداقل امکانات رفاهی برخوردار بودند اما وی در صدد پیاده کردن برنامه خود بود. نکته دوم: ۲۲ بهمن و انگیزه‌های رژیم جمهوری اسلامی ایران؛ در این نکته دقیقاً همان چیزی را پیدا خواهیم کرد که شاه در پی آن بود. امروزه نیز خامنه‌ای با اصطلاح مذهبی ولایت فقیه دقیق به مانند شاه خود را نماینده خدا بر زمین می‌داند و دستورات خود را نیز امری از سوی خدا بر افراد جامعه تلقی می‌کند.

به مواردی از نگیزه‌های رژیم جمهوری اسلامی ایران از راهپیمایی‌های ۲۲ بهمن اشاره می‌کنیم: انگیزه اصلی برای این حضور عشق به اسلام و انقلاب و امام بود. این فقط مخصوص حزب الهی نبود. حضور گسترده مردم، صحنه‌هایی شوق انگیز و وصف ناشدنی را رقم زد. آمریکا بداند کودکانمان آمده بودند که بگویند با همین مشت کوچک تو دهن آمریکا می‌زنم.

کودکان طبق قوانین بین‌المللی نباید به عنوان ابزاری سیاسی مورد بهره‌کشی قرار گیرند. چرا که کودکان توانایی شناخت و درکی از مفهوم‌ها ندارند و ورود آن‌ها به عرصه‌های سیاسی در هر بعد ممنوع می‌باشد. در ایران کودکان و نوجوانان همیشه مورد هدف سیاست‌های رژیم قرار گرفته‌اند. همیشه در راهپیمایی و مناسبت‌های ویژه رژیم ایران چند روز قبل از برگزاری رژیم جمهوری اسلامی ایران با تهدید و ارباب دانش‌آموزان را از طریق معلمان تهدید می‌کند که اگر در راهپیمایی شرکت نکنند با حکم‌های انضباطی شدید و سنگین روبرو خواهند شد.

این مورد در جمهوری اسلامی ایران تا حدی ریشه دوانیده است که خود سران رژیم ایران به مخالفت از آن برخاسته‌اند. کودکانی که هیچ درکی از سیاست و راهپیمایی‌های سیاسی رژیم ندارند باید در خیابانها به شعارهای کذایی بله بگویند و تکرار کنند. این سواستفاده رژیم از کودکان موجب شده است که حتی سازمانهای حقوق بشری به آن واکنش نشان دهند.

"سواستفاده" یعنی هر کاری یا چیزی که در آن کودک مجبور یا متقاعد به فعالیتی شود که خود خواهان آن نیست و مستلزم فشار روانی، ترس، استرس و یا هر چیزی خارج از توان واقعی وی باشد. براین اساس، سواستفاده از کودکان در فعالیت‌های سیاسی، نظامی و امثالهم مصداق بارز نقض حقوق اولیه آنهاست.

سایت عصر ایران در مقاله‌ای به این نکته پرداخته بود که به سواستفاده از کودکان در تشریفات سیاسی پایان دهیم. اجبار کودکان و پوشاندن لباس محلی و ... و تحمیل متون و اشعار خاص برای دکلمه توسط کودکان به هنگام حضور مهمان، مطابق با اصول و استانداردهای جهانی تشریفات و همچنین مبانی اخلاقی و مفاد حقوق کودکان و اصول شهروندی نیست. مطابق «پروتکل الحاقی کنوانسیون ژنو» و بند ۲ ماده ۳۸ «کنوانسیون» حقوق کودک که ایران هر دو آن‌ها را پذیرفته، جمهوری اسلامی ایران موظف است اطمینان حاصل کند که کودکان زیر ۱۸ سال در مخاصمات و جنگ‌ها به‌طور مستقیم شرکت ندارند.

نتیجه گیری: رژیم جمهوری اسلامی ایران در حالی از کودکان به عنوان ابزاری سیاسی در برنامه‌های خود استفاده می‌کند که این رژیم حقوق کودکان را پایمال کرده آن را نادیده می‌گیرد.

آمار رسمی از تعداد کودکان زباله گرد وجود ندارد، اما در گزارش شهرداری تهران در سال ۹۹ تعداد افراد زباله‌گرد در کشور حدود ۴۴ هزار نفر اعلام شده و حاکی از آن است که حدود ۴ هزار و ۷۰۰ نفر از این افراد که غالباً کودکان هستند در پایتخت فعالند. از کودکان بی سرپرست در ایران آماری در دسترس نیست. رییس سازمان نهضت سوادآموزی با استناد به آخرین سرشماری سال ۹۰ در ایران گفت: ۵۲ دهم درصد کودکان ایرانی (گروه سنی ۶ تا ۹ سال) معادل ۲۳۶ هزار نفر بی سواد هستند و وضعیت

سواد حدود سه درصد آنها نیز مشخص نیست.

حدود ۴ میلیون کودک و نوجوان ساکن ایران به مدرسه نمی‌روند. وضعیت این گروه بزرگ بازمانده از تحصیل که در میان آنها کودکان کر، دخترانی که در سنین کم ازدواج کرده‌اند و دیگر دختران و پسران محروم از تحصیل به چشم می‌خورد.

به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس ۱۵ درصد جمعیت کودکان ایران "کودکان کار" هستند و این آمار به دلیل "فقر خانوارها" افزایش یافته است. گفته شده حدود ده درصد از این کودکان امکان تحصیل ندارند. با وجود گذشت بیش از سه دهه از پایان جنگ هشت ساله عراق و ایران، جمهوری اسلامی، دستگاه‌های مختلف و رسانه‌های وابسته به آن هنوز داستان‌سرایی‌های بسیاری از حضور کودکان در این جنگ دارند.

برای مثال، در کتب درسی دانش‌آموزان، از نوجوان سیزده ساله‌ای به‌نام حسین فهمیده که از او به‌عنوان عامل انتحاری در مقابله با تانک‌های عراقی استفاده شده بود، هنوز به‌عنوان قهرمان ملی یاد می‌شود. این در حالیست که در آبان ۱۳۹۷، در پی درگذشت حمید هوشنگی، خبرنگار با سابقه‌ای که از او به‌عنوان «خالق افسانه حسین فهمیده» یاد می‌شود، افکار عمومی ایران متوجه این موضوع شد که حسین فهمیده ساخته و پرداخته دستگاه پروپاگاندا نظام جمهوری اسلامی بوده تا با تهییج احساسات کودکان، آنها را به خط مقدم جنگ بکشاند.

این همه در حالی است که بسیاری از فعالان حقوق کودک از بی‌پناهی کودکان در شرایط خشن مخاصمه‌ها، جنگ‌ها و اخیراً اعتراضات ابراز نگرانی کرده‌اند. تقابل نیروهای سرکوب کودک با هم سن و سال‌هایشان در اعتراضات سراسری ایران که دست‌کم ۵۰ کودک تاکنون به ضرب گلوله دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی جان باخته‌اند، ظلمی مضاعف در حق کودکان و نقض بارز حقوق آنها محسوب می‌شود.

این قبیل مواردی است که رژیم ایران در قبال کودکان انجام می‌دهد اما آنها را تهدید می‌کند که باید در مراسمات سیاسی شرکت کنند.

"انتخابات دولتی، چالشی با جنبش زن، زندگی، آزادی"

سرنوشتی این نظام است. ما در کنگره ملیتها و همبستگی فراگیر در کنار مردمان ایران هستیم و گمان بر این داریم که در این شرایط حساس تاریخی پیوستگی و هم دلی مردم در مبارزه با نظام جمهوری اسلامی ایران شرط اصلی پیروزی مردم است. در این دوران فریبکاران زیادی قصد خود محوری، رهبری و پادشاهی دارند که جامعه باید بشدت از آنها پرهیز کند. ما معتقدیم فقط جمهور مردم با قدرت خودشان رهبران اصلی انقلاب "زن، زندگی، آزادی" (ژن، ژیان، نازادی) هستند و خواهند بود.

کنگره ملیتهای ایران فدرال
همبستگی فراگیر برای آزادی و برابری
در ایران (ائتلاف سیاسی متشکل از چهارده حزب، سازمان و جریان سیاسی)
دوشنبه ۳۰ بهمن ۱۴۰۲
۱۹ فوریه ۲۰۲۴

داخل و ضربه پذیری در عراق، لبنان و سوریه و یمن، جمهوری اسلامی را به نقطه‌ای کشانده که حتی برگزاری یک انتخابات نمایشی مانند سالهای گذشته برایش در اولویت نیست. آنچه اکنون در درجه اول اهمیت برای حکومت قرار دارد، سرکوب و کنترل در شهرها، جلوگیری از سرایت جنگ منطقه‌ای به داخل، و حفظ نیروهای نیابتی و ماشین پرخرج جنگی‌اش در خاورمیانه است.

در این دوره از نمایشات انتخاباتی حکومتی، نیازی به فراخوان از سوی نیروهای اپوزیسیون برای تحریم نیست چرا که مردم بطور قاطع در آن مشارکت نخواهند کرد. اکنون زمان گسترش اعتراضات، اعتصابات در داخل، جلوگیری از گسترش اعدامها، تقویت تشکلهای مستقل و گسترش و پیوند آنها با یکدیگر و در یک کلام تقویت جامعه مدنی و تداوم خیزش انقلابی «زن، زندگی، آزادی» است. مسئله مهم در شرایط فعلی چگونگی

آنها نمایندگان اهل سنت هستند و نمایندگانی از آذربایجان، مهاباد و مرودشت و تاباید از طرف شورای نگهبان تأیید نمی شوند. بار دیگر آشکارا دیده می‌شود که نظام درمانده در برابر بحران‌های فزاینده داخلی و خارجی و هراسان از حرکت و عصیان گسترده توده‌ها، تلاش کرده و می‌کند که صفوف خویش را فشرده‌تر و دایره «خودی» را تنگ‌تر کند. رژیم برای مقابله با چالشهای داخلی و منطقه‌ای به درجه‌ای از انقباض رسیده است که حتی ظرفیت پذیرش رئیس جمهور سابق و چهار وزیر اطلاعات گذشته را نیز ندارد. حکومت ایران در فضای پس از جنبش زن زندگی آزادی در سال گذشته و با پشتیبانی بی قید شرط از نیروهای نیابتی خود در خاورمیانه، اکنون با چالشهای بزرگ و ناشناخته روبروست. وضعیت وخیم اقتصادی، عدم توانایی پاسخگویی به نیازهای اولیه جامعه، اعتراضات افسار گوناگون، اعتصابات کارگران و بازنشستگان در

رفته رفته از میان مردم رخت بست، و مسئله سرنوشتی و رژیم جایگزین در دستور کار قرار گرفت. حفظ نظام که در حال حاضر به مهمترین مسئله حکومت تبدیل شده است و مجموع اعمالی که حداقل در دو سال گذشته انجام داده، راه برگشتی برایش باقی نگذاشته است و با توجه به خشم و پتانسیل انقلابی در جامعه، هر گونه گشایشی در جامعه نظام را با خطر سقوط و فروپاشی مواجه خواهد کرد. مردم نه تنها از اصلاحات عبور کرده اند، بلکه راه برگشتی هم برای نظام قائل نیستند. در واقع رژیم تمامی پلهای پشت سر خود را تخریب کرده و نزد مردم به عنوان یک رژیم جانی و ضد مردمی شناخته شده است. بدون شک کساد بازار نمایش انتخاباتی در این دوره از انتخابات مجلس و خبرگان رژیم بسیار بیشتر از سالهای گذشته خواهد بود. در شرایطی که حتی ۲۶ نفر از نمایندگان سابق مجلس رد صلاحیت میشوند که ۴۰ درصد

انتخابات دوازدهمین دوره مجلس و ششمین دوره مجلس خبرگان در جمهوری اسلامی در ۱۱ اسفند ۱۴۰۲ برگزار خواهد شد. در طول چهل و پنج سالی که از عمر نظام جمهوری اسلامی ایران می‌گذرد، به تدریج مشارکت نیروهای سیاسی در انتخابات محدود و محدودتر شده است و در هر انتخابات بخشی از نیروهای سیاسی و گرایشهای مختلف نظام توسط ابزار کنترل حکومتی رد صلاحیت شده اند. تا تصمیم گیریهای کلان بدون مشکل و مخالفت در چارچوب "خودیهای ذوب شده در ولایت" پیش رود. انتخابات در جمهوری اسلامی سالهاست که از تب و تاب اجتماعی افتاده و نظام برای اجرای جهان پسند این نمایش تلاش زیادی می کند. در واقع از سال ۱۳۸۸ به صورتی آشکار حاکمان نظام به مردم اعلام کردند که ما تعیین می کنیم چه کسی در این کشور رئیس جمهور باشد و امورات کشور زیر نظر چه کسی باشد. شکسته شدن فضای اصلاح طلبی در کشور و امید به تغییرات از درون

انتخابات هندسی

همان تحلیل آنالیزی هانا آرنت است که چنین می‌گوید: در انتخاب بد و بدتر مهم آن نیست که چه چیزی و یا چه کسی انتخاب می‌شود بلکه مهم این است با انتخاب بد مجال به بدتر بودن آنرا می‌دهیم. به رأی شاهد اکثریت مردمان جغرافیای ایران ما به سطحی از انتخابات رسیده‌ایم که بدترین حالت ممکنه نیز پیش از همیشه خود را بروز داده و از آن بدتر هم عادت به انتخاب همیشگی بدتر در انتخاباتی پوشالی است. امروز به نقطه‌ای از سیاست و سناریوسازی جمهوری اسلامی رسیده‌ایم که هر گونه گزینش و رأی دادن و انتخاب کردن و مشارکت در انتخابات از پیش تعیین شده چیزی فرا و ورای پا نهادن بر ارزشهای انسانی و اخلاقی و اجتماعی و سیاسی ماست بلکه پایمال کردن خون هزاران جوان و انسان جان باخته راه آزادی است. نیاز و ضرورت چون انسانی مدنی در این است که با تمام قدرت انتخابات سراسر دروغ و نمایشی دیکتاتوری آخوندی را بایکوت و ممنوع می‌کنیم تا در دنیای امروز و عرصه ارتباطات رسوایی و روسیاهی را برای نظام جمهوری اسلامی به بار بیآوریم آنچنان که مشروعیت خود ساخته‌اش را به قهقرای عدم تأیید مبل کنیم. انگشتان خود را با خون فرزندان و هموطنانمان سرخ خواهیم کرد.

ابطال کشاننده است. در چند دهه‌ای اخیر حکومت فاسد اسلامی حاکم در ایران سرآمد ترکیبهای ساختاری مرکبی از فاشیسم و پولاریسم و تئوکراتیسم و گونه‌ای نوین از توتالیتریسم و دیکتاتوری است و از تجارب حکومتهای خودکامه نیز برای اجرای حکومت مطلوب خودش سود می‌جوید که به ترتیب حروف الفبا تمامی ایسمهای غیر انسانی را در زیر مجموعه خود داراست و البته آنرا اقتدار می‌نامد. انواع دزدسالاری و عدم شایسته سالاری در شیوه‌های مختلف در نهادها و دستگاه‌های حکومتی و دولتی و خصولتی همچون رانت و اختلاس و فسادهای اقتصادی و اخلاقی و ساختاری در تمامی زوایا و سطوح زیر ساختی و برساختی که شیرازه‌ی کلی آن است را می‌توان نام برد. در خصوص تعیین صلاحیت کاندیداها به وانهادن مردم در انتخاب بد و بدتر و اخیراً بدترین سیاست دایره حلقه‌های خودی و غیر خودی را لحاظ کرده است. جالب آن است که در میان جناحهای ساختگی اصلاح طلبی و اصولگرا و اعتدالیون و ... خود در راستای تحریف اذهان عموم بنا به بهبود و اصلاحات نیز تحمیل سیاستهای غیر خودی تر را بر نتابیده و با مهندسی و برنامه‌ریزی دلخواه انتخابات در تمامی سطوح ساختاری بنا به مصلحت نظام پرداخته است. تقلبهای گسترده در شمارش آرا و جمع آوری صندوقهای رأی نیز کماکان مزید بر علت بوده‌اند. چشم‌انداز فلسفه سیاسی این مهم،

نظارت استصوابی اقدام کرده است که در اصل همان سیستم فیلترینگ توتالیتری است که برای حفظ نظام ولایی و بقایش لازم و نیازمند آن بوده است و این یعنی گزینش و انتخاب بر اساس میزان تعهد و سرسپردگی به نظام ج ۱ و چینش در حلقه‌های نزدیکتر به بیت رهبری صورت می‌گیرد.

در تاریخ سراسر آلوده به ربا و فریب و دروغ و تقیه



و تحریفی ج ۱ که شاهد آن بوده‌ایم چیزی برای انتخاب وجود نداشته و ندارد و ساخت تک حزبی (حزب الله) خود نظام مجال جولان هیچ سمت و سویه و جناحی را نداده است و امکان هرگونه فعالیتی از اپوزیسیون را با برچسب زنی منافقین رد و ممنوعیت رای مخالفینش را مشروع دانسته و به این روش تمامی اپوزیسیون را به

در خود اسلام چنین حقوقی برای زن همچون محرومیت‌های دیگر احکام ضد زن قائل و جایز و تعریف نشده است.

تفکر فاسد خودگرایانه‌ی جمهوری تحریفی در تمامیت جمهوری اسلامی نیز همچون معنی مناقضش؛ با موجودیت مطلقه و انتخابات ساختگی درهم تنیده‌اش همان گره کور پارادوکسی است که به درازای چهل و اندی سال از برقراری رژیم ج ۱ تا به اکنون ادامه داشته و برای کسی باز نشده است؛ به طوری که امکان تصور جمهوری در اسلام و یا تلفیقشان را اگر بخواهیم معنا سازی کنیم مقدور نیست. ناکارآمدی فاشیست اسلامی حکومت خامنه‌ای در نهایت فساد سیستماتیک خود قرار دارد و روز به روز به سطح بدتری نیز ورود می‌کند.

سیستمی فاسد و توتالیتر همچون جمهوری اسلامی که با گسترانیدن سیاست‌های فاشیستی اسلامیش با وضع قوانین درون تایدی در راستای مرکزیت ولایت فقیه با اعمال زور و خفقان به حکومت میلیتاریزه‌اش مشروعیت بخشیده است و با بنا نهادن ولایت مطلقه فقیه ضد انسانی‌اش بر اساس اصل ۹۹ قانون اساسی به ایجاد

قبل از خدا حافظی



سیوان احمدی

آنجا که آزادی نیست اگر رای دادن چیزی را تغییر می‌داد اجازه نمی‌داند که شما رای بدهید.

"مارک تواین"
انتخابات پوشالی و ساختگی در سیستمی بدون آزادی یک شوی سیاسی مضحک از دیکتاتوری است. اگر به مفهوم واقعی دیکتاتوری شایع و رایج در سیستم آغشته به دروغ سیستماتیک پی ببریم در اصل به همان گنبدیگی و اختناق سیاسی خواهیم رسید.

به جرأت می‌توان گفت که با توجه و چشمداشت به مشارکت فراگیر همه‌ی افسار مشمول یک جامعه در انتخابات آن اجتماع که یکی از شروط لازم و پیشفرض بنیادی آن است هیچ گونه انتخابات سالم و صحیحی با در نظر گرفتن احکام دیکتاتوری اسلامی که در خود اسلام در مورد انتخابات وجود دارد تا به حال صورت نگرفته است و این یعنی عدم مشارکت نیمه از جامعه - که همان زنان هستند- وجود ندارد به این مفهوم که بالفطره